



تدوین فلسفه علوم انسانی اسلامی؛ مقدمه فقه حکومتی

آیت الله کعبی در مراسم رونمایی از کتاب ۴ جلدی «اصول و مبادی فقه حکومتی» گفت: برای تحقق فقه حکومتی ابتدا باید فلسفه علوم انسانی اسلامی تدوین و سپس مبتنی بر آن نظامات اسلامی تنظیم شود.

آیت الله کعبی در مراسم رونمایی از کتاب ۴ جلدی «اصول و مبادی فقه حکومتی» گفت: برای تحقق فقه حکومتی ابتدا باید فلسفه علوم انسانی اسلامی تدوین و سپس مبتنی بر آن نظامات اسلامی تنظیم شود.

به گزارش خبرنگار مهر، جلسه رونمایی از کتاب ۴ جلدی «اصول و مبادی فقه حکومتی»، اثر حجت الاسلام ذبیح الله نعیمیان روز گذشته در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و در جمع اعضاء «هم اندیشی فقه حکومتی» برگزار شد.

در این جلسه آیت الله عباس کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به ایراد سخنرانی درباره «فقه حکومتی» پرداخت.

در پایان این جلسه جناب حجت الاسلام محمد عشائری و حجت الاسلام دکتر قاسم شبان؛ نیا دو تن از پژوهشگران و اساتید حوزه علمیه قم نکاتی پیرامون تحلیل و بررسی این اثر ۴ جلدی ارائه دادند.

پیش فرض های فقه حکومتی

آیت الله کعبی در این مراسم گفت: «فقه حکومتی» دارای پیش فرض هایی است؛ پیش فرض اول وجود حاکمیت دین در هر زمان و مکان است. بر مبنای این پیش فرض، وجوب اقامه شرع الله و تطبیق شریعت می باشد. پیش فرض دوم وجود رهبری الهی برای پیش برد حاکمیت دین و اقامه شرع الله و تحقق اهداف دین است. پیش فرض سوم وجوب عقلی و شرعی دولت در اسلام است. پیش فرض چهارم آن است که رهبری حکومت اسلامی، تدابیر عالییه برای اداره حکومت در هر زمان و مکان داشته که این تدابیر عالییه در اصطلاح فقه جواهری سیاست های شرعی گفته می شود. پیش فرض پنجم، این است که این تدابیر بر پایه تحقق مصالح عالییه و جلوگیری از مفسدات اتفاق افتاده است. پیش فرض ششم وجود مسئله ای به نام حکم حاکم است و اینکه تمام مسلمین برای تحقق حاکمیت دین، اقامه شرع الله و وجود این تدابیر عالییه که برای جلب مصالح و دفع مفسدات، باید پیش بروند برپایه «حکم حکومتی» باشد و امام جامعه باید حکم صادر نماید. پیش فرض هفتم وجود اهداف عالییه اسلام است که امام مسلمین در منظومه معارف اسلام می خواهد اهداف اسلام را ولو به شکل مرحله ای پیش ببرد. اگر این پیش فرض های هفتگانه را در نظر بگیریم آنگاه می توانیم از فقهی به نام «فقه حکومت» حرف به میان بیاوریم.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزود: پیش فرض اول یعنی حاکمیت دین و لزوم اقامه شرع الله در دوران صدر اسلام و دوران رسالت در بین همه علماء متفق علیه است و عنوان تجلی حاکمیت و اقامه دین در اجرایی کردن شریعت است. جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ قَاتِبَعَهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۸ و ۱۹ سوره جاثیه)

بعد از رحلت رسول الله، نظام امامت به نظام خلافت تبدیل شد

وی اظهار داشت: بعد از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) و در دوران خلفاء اگرچه اولویت های نظام خلافت عوض شده بود و اجتهادهایی در مقابل نص صورت گرفته بود، اما کسی منکر نمی شد که دین باید توسط حکومت اجرا شود و حتی گسترش پیدا کند. در دوران خلافت خلفاء یکی از اضلاع مهم فقه حکومت تلاش شد به حاشیه برده شود و آن امامت الهی بود که متأسفانه نظام امامت به نظام خلافت تبدیل شد و این خیلی اثر گذاشت. ما بجای اینکه تدابیر عالییه ائمه(ع) و رهبری الهی را مانند دوران رسول خدا(ص) برای اجرایی کردن دین در حکومت داشته باشیم، در جامعه یک رویکرد سکولار پیدا شد.

وی گفت: نظام اسلامی و خلفاء با اجتهاد در مقابل نص از اهداف عالییه اسلام که امام مسئول اجرا آن بود زاویه گرفته بودند. البته ائمه(ع) هم در دوران خلفاء نقش داشتند، ولی نقش آن ها نقش مشورتی بود نه حاکمیتی؛ فلذا کار به

جائی رسید که نظام ولایت به به نظام خلافت کشیده شد و آنگاه در دوران معاویه به نظام پادشاهی مطلقه رسید و در ده سال خلافت او این روش حکومت‌داری تثبیت شد تا در زمان یزید فقط و فقط از اسلام یک یک اسم باقی ماند و در چنین وضعیتی امام معصوم(ع) که مسئول اجرای دین است به جائی می‌رسد که باید خونش را فدا بکند تا اصل دین باقی بماند.

وی در ادامه گفت: در دوران بنی امیه و بنی العباس تلاش عمده ائمه(ع) صرف شد تا حقایق دین حتی المقدور بیان شود و تلاش کردند تا مردم را آشنا کنند که در اسلام هم حکومتی است که با این حکومت فعلی مغایر است و باید برای تحقق آن مبارزه کرد. در این‌باره دو کتاب ارزشمند «انسان ۲۵۰ ساله» اثر رهبر معظم انقلاب و کتاب «اهل بیت علیهم السلام؛ تنوع ادوار و وحدت هدف» اثر مرحوم شهید صدر(ره) به تفصیل به این مسئله پرداخته است.

این استاد حوزه علمیه گفت: در دوران عصر غیبت سیاسات و تدابیر عالی احکام حکومتی با رویکرد نگاه به اهداف اسلام توسط ائمه(ع) به شکل منظم و جامعی در دست ما نماند و هرچه بود مجموعه ای از پاسخگویی اهل بیت(ع) است یا به تکالیف فردی شیعیان یا به تکالیف اجتماعی و سیاسی با پیش فرض وجود حکومت و نظام غیر شرعی و همین روند هم در دوران عصر غیبت ادامه پیدا کرد و فقهای بزرگ شیعه، نقش ائمه(ع) را در دوران نظام های حکومتی غیر مشروع و نظام های سکولار و نظام های غیر دینی بازتولید کردند؛ یعنی پیش فرض فقهای ما این است که یک دولت جائز و غیر شرعی است تا زمان ظهور حضرت(عج) و ما باید با این دولت جائز بسازیم یا در چارچوب وجود این دولت فکر بکنیم که اهداف اسلام را چگونه پیش ببریم و این اشارات در تعابیر فقهای بزرگ شیعه مانند صاحب جواهر(ره) که قائل به ولایت فقیه با آن قلمرو وسیع است به چشم می خورد. (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام جلد ۲۱) ایشان با فرض حکومت جائز و تعامل با آن بحث از ولایت فقیه می کند نه در فرض تعامل ایجابی.

رویکردهای تعاملی فقهای شیعه با حکومت های جائز

آیت الله کعبی گفت: بر اساس سیره فقهاء در عصر غیبت تا دوران انقلاب اسلامی چند رویکرد تعاملی (چه به صورت سلبی و چه به صورت ایجابی) در نسبت با حکومت های جائز می توان نام برد: رویکرد اول، اعتزال مطلق؛ اینکه حکومت جائز مطلقاً غیر شرعی است و ما نباید هیچگونه تعاملی با ایشان نمائیم و باید تراث ائمه را احیاء بکنیم. رویکرد دوم، تعامل نسبی؛ می توان آن را تعامل نسبی در چارچوب مصالح عالی و امر به معروف و نهی از منکر دانست؛ یعنی اگر می توانستند در حکومت و مسئولیت و منصبی را تصرف نمایند تا اهداف تشیع را پیش ببرند مانند منصب قضاء. رویکرد سوم، تعامل مطلق؛ همانند شکل حکومتی دولت صفوی که دولت با اذن فقهاء کار می کرد و مشروعیت دولت صفوی در سایه اذن محقق کرکی(ره) بود. رویکرد چهارم، تشکیل دولت در دولت؛ یعنی در کنار دولت های جائز هر جایی که یک مجتهدی وجود داشت به عنوان نایب عام اما زمان بتواند به قدر مقدور بعضی از احکام اسلام را اجرا بکند. (اعم از فواء قضاوت امور حسبه فصل خصوصت، حتی گاهی اقامه نماز جمعه و اجرای حدود) رویکرد پنجم، تشکیل عنوان مرجعیت عامه؛ که کل مناطق شیعه نشین تحت زعامت عامه مرجعیت در می‌آمدند و در کنار دولت های گوناگون جائز سرپرستی واحدی را داشتند. برجستگی این رویکرد از زمان مرحوم شیخ انصاری(ره) شروع شده است. اگر چه ما معتقدیم مرجعیت فقهای شیعه به شکل سنتی از ابتدای عصر غیبت کبری شروع است و حتی در زمان شهید اول نقش بسیار اساسی داشت، اما مرجعیت عامه گسترده ای که همه قلمرو شیعه را در بر بگیرد، نبوده است.

دغدغه فقهی شیعه تحقق نظم شیعی بود

وی اظهار داشت: فقهاء تلاش می کردند تا تکالیف فردی مکلفین را مشخص نمایند و در باب وظیفه اجتماعی-سیاسی نوع خاصی از تعامل (چه به صورت سلبی و چه به صورت ایجابی) را قبول می‌کردند تا زندگی شیعیان سامان بگیرد و دغدغه آنها یک چیز بود آن هم تحقق «نظم شیعی». بسیاری از فقهاء همچون مرحوم صاحب جواهر(ره) واژه «نظم شیعی» را در مکتوبات خود آورده اند.

این استاد حوزه علمیه قم گفت: با این تفاسیر در فقه سنتی ابوابی که باید به مسائل حکومت بپردازد، یا متروک شد و یا بسیار کم به آن پرداخته شده است، پس بنا بر این به خاطر خلاء در نقش امامت الهی، خلاء در وجود دولت شرعی، خلاء در وجود تدابیر عالی و سیاسات عالی برآمده از امامت الهی با فرض وجود دولت مشروع، خلاء وجود یک سیره حکومتی (به جز آن مقطع کمی که در زمان امیرالمومنین(ع) و رسول الله(ص) بود)، این نکات باعث شد فقه حکومت با این پیش فرض هایی که گفته شد به شکل تحول یافته در تاریخ شیعه شکل بگیرد. اهل سنت که از ابتدا خودشان را مستغنی از امامت الهی می دانستند، مجموعه فقهی را سامان دادند که معروف شده به «فقه سلطانی» یا «احکام سلطانی». در این جست و خیز اسنادی هم در فقه شیعه برای فقه حکومتی موجود است، اما این فضای که توضیح

داده شد غالب است.

در دوران مشروطه هم فقها مایوس بودند که در رأس حکومت قرار بگیرند

وی افزود: در دوران مشروطه هم فقهای بزرگوار ما مایوس بودند که در رأس حکومت قرار بگیرند. حتی کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله مرحوم نائینی(ره) با این اصل نوشته نشده است که قرار است فقهاء حکومت تشکیل بدهند. در دوران مشروطه، نهضت های قانون اساسی ­ گرایبی در جهان راه افتاده بود و این مسئله به ایران هم سرایت کرده بود و در ایران نیز فضائی ایجاد شده بود که پادشاهی مطلقه باید مقید به قانون گردد، اما این تقیید به قانون اساسی بی نسبت با قرآن و سنت الهی بود. در این زمان عده ای بر پایه تحقق عدل به دنبال مطالبه عدالتخانه بودند و زمانی که مرحوم شیخ فضل الله نوری فهمید این مشروطه خواهی فریب است و غیر شرعی است در مقابل مشروطه موضع جدی گرفت.

آیت الله کعبی در ادامه گفت: در مقابل ایشان، مرحوم نائینی به دنبال پاسخ گویی سوالات تئوریک اسلام بود و چون در آن زمان، اسلام در موضع تهمت عقب ماندگی در مقابل غرب قرار گرفته بود، ایشان درصدد اثبات و معرفی ظرفیت های پیشرفت اسلام بود و معتقد بود در عمل وقتی فقهاء نمی توانند در رأس حکومت قرار گیرند، به میزانی که توانایی وجود دارد تا از منکرات جامعه و حکومت کاسته شود، عقلاً و شرعاً باید از این مسئله فروگذار نباشند. با طرح مسئله مشروطه وقتی پادشاهی مطلقه به پادشاهی مقیده تقیید می خورد در واقع ظلم و جور پادشاهی فاسد کاسته خواهد شد، فلذا دوران مشروطه نیز دوران تشکیل حکومت و خیز برداشتن علماء بر اساس ولایت فقیه برای راس حکومت قرار گرفتن نبوده است و حتی در ذهنشان هم نبوده است.

زمینه های فقه حکومتی با گفتمان نهضت انقلاب اسلامی محقق شد

استاد حوزه علمیه قم گفت: در کتاب تقریرات درس اصول فقه میرزای شیرازی(ره) که یکی از بزرگان مشروطه مرحوم موسوی لاری(ره) آن را نوشته است، در مقدمه آمده است که اختلاف علمای مشروطه اختلاف بین عمل و نظر بوده است. هر دو ولایت فقیه را قبول داشتند، اما شیخ فضل الله در تهران بود و اجرائی فکر می کرد و علمای نجف، نظری و تئوریک. تحقق زمینه ­های فقه حکومتی و پیش فرض ­های آن، همزاد با گفتمان نهضت انقلاب اسلامی ایران تشکیل شده است.

امام خمینی(ره) پیشتاز نظریه پردازی فقه حکومتی در دوران معاصر است

وی در ادامه گفت: خاطره ای از زبان مرحوم استاد ما حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی زمانی که در درس ولایت فقیه حضرت امام(ره) شرکت می کردند خدمتتان نقل می کنم؛ ایشان در زمانی که درس ولایت فقیه مرحوم امام(ره) بلافاصله تایپ می شد، مصر بودند که درس ها را شخصاً تقریر نمایند و بنویسند و ظاهراً بعد از گذشت چند جلسه تقریرات را به رویت شهید صدر(ره) رسانده بودند، مرحوم شهید صدر نیز بعد از رویت این تقریرات به ایشان توصیه کرده بودند که حتماً این درس را ادامه دهند، زیرا این مباحث فرق می کند با ولایت فقیه‌ی که تا کنون در فقه مطرح می شده است، زیرا این ولایت فقیه در چارچوب حکومت جائر بوده است، اما این ولایت فقیه‌ی است که از آن تأسیس و تشکیل حکومت فهمیده می شود، لذا باید گفت امام راحل(ره) پیشتاز تدریس ولایت فقیه با رویکرد تشکیل نظام اسلامی است و از این منظر می توان گفت ایشان پیشتاز نظریه پردازی فقه حکومتی در دوران معاصر است با استفاده از گنجینه گرانسنگ فقه اهل بیت بر پایه فقه جواهری. فلذا می توان فقه حکومتی را هم در تدریس دروس ولایت فقیه، هم در تشکیل نظام اسلامی، هم در تدوین قانون اساسی و هم در اداره حکومت توسط مرحوم امام خمینی(ره) رویت کرد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: همه این پیش فرض های هفتگانه فقه حکومتی، با وجود امام راحل و تشکیل نظام اسلامی و تدابیر حکومتیه عالییه و حکم های حکومتی که امام صادر می کرد و نگاه جامعی که به اهداف اسلام در حکومت داشت، محقق شد. لذا امام در نگاه کلام فقهی اش با پیش فرض ولایت عامه فقهی وجود دولت در اسلام، وجود سیاست های شرعییه و تدابیر عالییه سیاسی و احکام حکومتی که صادر می کردند و در واقع فقه حکومتی را پیش بردند. فقه حکومتی بدون تحقق حکومت را نمی توان از لحاظ نظری و عملی به شکل یک نظام فقهی ارائه بدهیم، لذا یک فقیه بزرگ مثل صاحب جواهر در جای جای کتاب خودشان وقتی به مسائل حکومت می رسد، اشاره می کنند که این مباحث بسیار پیچیده است و امیدواریم زمانی برسد که بتوانیم این پیچیدگی های فقهی را حل نمائیم.

وی با بیان اینکه نگاه فقه حکومتی، تحقق اهداف اسلام است در بستر حکومت، اما فقه سنتی تنجیز و تعذیر شرعی است، گفت: نگاه فقه حکومتی مصالح و مفاسدش توسط ولی امر و حاکم جامعه بعد از مرحله فعلیت احکام تشخیص داده می شود، اما در فقه سنتی مصالح و مفاسد در مرحله مبادی حکم شرعی قرار دارد. مبادی، حکم و انشاء، فعلیت و تنجیز چهار مرحله است؛ در فقه سنتی آنجایی که از مصالح و مفاسد بحث می کنند به عنوان مبادی حکم شرعی است. مصلحت و مفسده تحت عنوان متعلق حکم شرعی هم در فقه سنتی آمده و من بر اساس جواهرالکلام احصاء کردم ۷۳ مسئله بلند از ابتدای جواهر تا جلد ۴۳ که مصلحت و مفسده در متعلق حکم شرعی آمده و در مورد آنها صاحب جواهر نظر داده است، اما پیش فرض او حکومت جائر است.

عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: در فقه سنتی، «سیاسات» تدابیری است که فقیه برای تعیین تکلیف افراد مشخص می کند، نه برای اداره حکومت و جامعه. بنابر این «سیاسات» هم متفاوت است که بنده برای این مسئله، حدود ۱۲ نوع «سیاست» ذکر کرده ام که با رویکرد فقه حکومتی در جواهرالکلام پاسخش متفاوت خواهد بود.

فقه پویا یک نحوه اجتهاد آزاد در مقابل فقه سنتی بود

آیت الله کعبی تصریح کرد: حضرت امام(ره) و رهبری(حفظه الله) می خواهند فقه حکومتی در بستر فقه سنتی و حفظ اصالت ها رشد نماید، فلذا تأکید دارند کسانی فقه حکومتی را تدریس کنند که کرسی درس خارج داشته باشند و نباید مباحث فقه حکومتی را مبتذل، ضعیف و بدون پایه در حوزه معرفی کرد. در ابتدای انقلاب دو رویکرد فقه پویا و فقه سنتی ایجاد می شود؛ فقه پویا یک نحوه اجتهاد آزاد در مقابل فقه سنتی بود، فلذا امام فرمودند: «همین فقه سنتی، پویاست و من معتقد به فقه جواهری هستم». رهبری معظم(حفظه الله) هم عمیقاً معتقد به فقه جواهری هستند و در درس خارج و آثار ایشان مثل کتاب «جهاد» و همچنین در بحث های مکاسب و قصاص ایشان، رویکردی صد در صد جواهری و با فرض حکومت دینی و پیش فرض های هفتگانه دارند.

تأسیس فلسفه علوم انسانی اسلامی؛ مقدمه فقه حکومتی

وی در پایان گفت: فقه حکومتی بسترهای نظام shy& ساز می خواهد. چند مقدمه برای این نظام سازی لازم است و به نظر بنده ابتدا باید «فلسفه علوم انسانی اسلامی» تدوین شود و سپس مبتنی بر آن، باید نظامات اسلامی بر پایه کتاب و سنت تنظیم گردد، مانند نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و...؛ آنگاه بر مبنای نظامات و بهره مندی از «اصول فقه» ما باید بتوانیم مسائل اصول فقه را با «رویکرد حکومت» برجسته نماییم و در مرحله بعدی باید قاعده سازی فقهی متناسب با رویکرد نو صورت پذیرد؛ در مرحله آخر نیز باید «تدویب» و صورتبندی جدید ساختار فقهی انجام گیرد. من معتقدم وسائل الشیعه و جواهرالکلام برای رونق دادن به فقه حکومتی در حوزه ها نیازمند به «تدویب» جدیدی است. ما حتی فقه عبادت را هم با رویکرد حکومت می توانیم تدویب نماییم.